

اعلامیه حزب حکمتیست

دور جدید اعتصاب فراگیر کارگران پروژه ای نفت و گاز جنوب  
برای افزایش دستمزد، مرخصی ۱۴ روزه

صفحه ۲

زنان در مبارزه علیه خشونت تنها نیستند !

صفحه ۴

هاله طاهری

انتخاب واقعی و آزاد فقط در شوراهای منتخب  
مردم است

صفحه ۶

جمعی از کارگران هفت تپه

پور محمدی و پروژه سخت نظام

صفحه ۷

سیوان کریمی

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

در رابطه با محکومیت فشار بر احزاب اپوزیسیون کردستان  
ایران مستقر در اقلیم کردستان

صفحه ۸

آزادی جولیان آسانژ موفقیتی برای  
مدافعان آزادی بیان

صفحه ۹

سعید یگانه

اخبار مبارزات کارگری و جنبشهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

مضحکه انتخابات را بر سرشان خراب کنیم!



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۸ تیر ۱۴۰۳ - ۲۸ ژوئن ۲۰۲۴

انتخابات یک حکومت

ورشکسته!

روز جمعه انتخابات رئیس جمهوری در ایران است. از میان ۶ کاندید طرفدار وسینه چاک حفظ نظام گنبدیده جمهوری اسلامی که هر کدام پرونده سنگینی از ظلم و ستم بر مردم و فساد و دزدی و دست داشتن در جنایت زیر بغل دارند یکی از آنها سر از صندوق انتخابات بیرون می آورد. از نظر اکثر مردم کارگر و زحمتکش زنان و جوانان متنفذ و بیزار از کلیت نظام سرکوبگرواستثمارگر جمهوری اسلامی، انتخابات نه تنها مضحکه و پیشیزی برای آن قابل نیستند، علاوه بر آن هر جا بتوانند صندوق رای را بر سرصاحبان آن خراب می کنند. اما این انتخابات در هر صورت برای جمهوری اسلامی اهمیت دارد و تلاش می کنند با بازار گرمی حول آن مردم را به پای صندوق رای ترغیب کنند.

انتخابات رئیس جمهوری ایران در شرایطی بر گزار می شود که جمهوری اسلامی در بدترین شرایط حیات خود به سر می برد. بحرانهای متعدد سیاسی - اقتصادی آن را محاصره کرده و هیچ عملکرد و سیاستی نتوانسته و نمی تواند جمهوری اسلامی را از این باطلات نجات دهد. خیزش انقلابی ۱۴۰۱ نه تنها این بحرانها را تشدید کرد، جمهوری اسلامی را تماما از نظر افکار عمومی در داخل و خارج کفیت و مشروعیت آن را بشدت زیر سوال برد.

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

شرط لازم موفقیت اینست که کارگران به نیروی خود متکی شوند، سیاست خانه نشینی را کنار بگذارند، در مراکز استانها و هرجائی که درست تشخیص میدهند مرتبا حرکتهای اعتراضی و مجمع عمومی برگزار کنند. برای تحقق خواستههایشان فعالانه روشنگری و با ایجاد اتحاد بیشتر حول اعتصاب نیرو بسیج کنند. قدرت کارگر به حضور متحد او و درک منافع کارگری است. درود بر اتحاد و اعتصاب کارگران پیمانی و پروژه ای!

**مرگ بر جمهوری اسلامی!  
آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

**حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
۳ تیر ۱۴۰۳ - ۲۳ جون ۲۰۲۴**



اعتصاب کارگران پروژه ای شرکتهای پیمانی نفت و گاز با وجود جو شدید امنیتی و دستگیری تعدادی از کارگران ادامه دارد و بیشتر از ۹۰ مجتمع کارگری در اعتصاب به سر میبرند!

زنده باد اعتصاب کارگران پروژه ای شرکتهای پیمانی نفت و گاز

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

## اعلامیه حزب حکمتیست دور جدید اعتصاب فراگیر کارگران پروژه ای نفت و گاز جنوب برای افزایش دستمزد، مرخصی ۱۴ روزه

بار دیگر در تیرماه، کارگران پروژه ای شرکتهای پیمانی نفت و گاز دست به اعتصاب زدند. کمپین امسال با نام "۱۴-۱۴" و شعار "سفره همه کارگران یکی است" آغاز بکار کرد. در روز ۴ خرداد نیز، بعنوان حرکتی اخطاری تعدادی از کارگران داربست بند شرکت گسترش صنعت پادانا، برق و ابزار دقیق شرکت ستاره تراز در سایت یک بوشهر، برق و ابزار دقیق شرکت جهانپارس مس سرچشمه، پتروشیمی دهلران در دشت عباس و رنگ و عایق شرکت سازه پاد در سایت یک بوشهر دست به اعتصاب زده و محل کار خود را ترک کردند. "کمپین سراسری نفت و گاز" طی بیانیه ای تا پایان خرداد برای تامین خواستههای معوق مانده کارگران زمان تعیین کرده بود.

اعتصاب از ۳۱ خرداد ۱۴۰۳ میان کارگران پروژه ای در پالایشگاهها، پتروشیمیها و دیگر مراکز نفت و گاز شروع شده است. این کارگران با تحویل ابزار کار خود محل را ترک کرده و خانه و شهر خود رفتند. با پیوستن حدود ۳۰۰۰ نیروی پروژه ای، قراردادی، ارکان ثالث به کمپین، طی دو روز گذشته قریب هشتاد شرکت پیمانکاری با حدود ۱۷ الی ۱۸ هزار کارگر وارد اعتصاب شدند. خواست محوری اعتصاب افزایش دستمزدها، بهبود وضعیت دریافتیها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز مرخصی، حذف پیمانکاران از روند تامین نیرو و انعقاد قرارداد، تغییر وضعیت و تامین امنیت شغلی است. حذف پیمانکاران یکی از خواستههای محوری است که هر سال طرح شده اما هیچوقت بطور جدی پیگیری نشده است. وزارت نفت طرح و مصوباتی برای "ساماندهی" کارگران ارکان ثالث و بخشهای ذیربط به تولید دارد اما همین نیز اجرا نشده است. کارگران از تفاوت فاحش در دستمزدها و متعلقات آن، به قراردادهای و شرایط متفاوت کار اعتراض دارند و خواهان شرایط مزدی و مزایای یکسان برای کارگران پروژه ای، ارکان ثالث، قرارداد موقت، حجمی، روزمزد و قرارداد معین هستند که مانند کارگران رسمی از همه مزایای شغلی صنعت نفت برخوردار باشند. در کنار این خواستههای محوری، خواستههایی از جمله پرداخت دستمزدهای معوق، بهبود وضع خوابگاهها، مراکز عمومی بهداشتی محیطهای کار و ایمنی محیط کار نیز مطرح هستند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به اعتصاب کارگران پروژه ای و پیمانی درود میفرستد و پیشروی و پیروزی آنها در گرو اتحاد فعال کارگران اعتصابی و اجتناب از تکرار اشتباههای اعتصابات قبلی میداند. این اعتصاب به تحرک اعتصابی و اعتراضی در جامعه نیرو میدهد و ضروری است همه جا با همبستگی گسترده کارگری روبرو شود. خواستههای کارگران برحق است و در درجه اول باید دست هر پیمانکار، هر موعظه گر موسوم به "عدالتخواه" اما مزدور کارفرما از سر اعتصاب کوتاه شود. سیاستی که کارگر را به نشستن در خانه و انتظار دعوت میکند و داور جایزه دادن به "کارفرمای خوب" میشود، سیاستی برضد کمپین و خواست کارگران است و به جنبش کارگری و اعتصاب مهم کارگران پروژه ای ضربه میزند.

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**



## جمهوری اسلامی وصله ناجوری به جامعه است

نظام سرمایه داری ایران با بحران‌های متعددی روبروست. دولت جمهوری اسلامی عامل اصلی بحران‌های سیاسی و اقتصادی و تشدید آن است. هیچ حکومتی در چهارچوب نظام کنونی قادر به حل و حتی کاهش این بحرانها نیست و نبوده است. دردولت رئیسی که مدعی بهبود اوضاع

اقتصادی بود و از حمایت هسته اصلی قدرت و سپاه و همه ابزارهای موجود برخوردار بود، نه تنها بهبودی در وضعیت اقتصادی به وجود نیامد، بلکه اوضاع اقتصادی وخامت بیشتری یافت، تورم و گرانی تشدید شد و بحران سیاسی در دوره حاکمیت او به اوج رسید. دولت آینده ایران با پزشک‌یان و بدون او بی تردید کاری از پیش نخواهد برد و همچنان شاهد تشدید وضعیت وخیم معیشتی، تورم و گرانی کمر شکن، سرکوب و اختناق و فقر و فلاکت خواهیم بود. این رژیم با همه سران ریز و درشتس بی ربط به منافع اکثریت مردم کارگر و زحمتکش و زنان و جوانان و انتخاباتش نیز مشروعیتی ندارد.

این انتخابات نیز به پایان می رسد. پزشک‌یان و هر کدام از این الدنگها سر از صندوق انتخابات بیرون بیاورند با جامعه ای روبرو هستند که تغییر می خواهند، تشنه آزادی واز رژیم اسلامی و قوانین و فرهنگ آن متنفرند.

این انتخابات رژیمی ورشکسته و بی ربط به اکثریت مردم است. کارگران و زحمتکشان هیچ نفعی در دفاع از این نظام ضد کارگری ندارند و درانتخابات مشتی فاسد واستثمارگر شرکت نمی کنند. شرکت در این انتخابات به هر بهانه ای خدمت به رژیم سرکوبگران واستثمارگران است.

۲۷ ژوئن ۲۰۲۴

سرکوب و دستگیری و زندان و اعدام نتوانست جامعه را منکوب

## انتخابات یک حکومت

### ورشکسته!

کند و آنچه مشاهده می شود اعتراض و نارضایتی و اعتصاب و مبارزه اقشار و طبقات مختلف مردم همچنان ادامه دارد و رو به گسترش است. مرگ رئیسی قاتل در سانحه سقوط بالگرد با همراهانش هر دلیلی داشته باشد ضعف و زبونی و بی لیاقتی رژیم اسلامی را در انظار عموم هر چه بیشتر به نمایش گذاشت. هر چند خامنه ای در اولین واکنش بعد از مرگ رئیسی سعی کرد به روی خود نیآورد و آن را کم اهمیت جلوه دهد، اما بحران رژیم را تشدید کرد، پروژه های ناکام رئیسی نیمه راه با خودش سقوط کرد و رژیم اسلامی را با انتخاباتی زودرس که کم ضرر برای جمهوری اسلامی نیست مواجه کرد.

هدف اصلی رژیم اسلامی دربرگزاری این انتخابات و تبلیغاتی که حول آن صورت داده است، جذب آرای بیشتر، با هدف بر گرداندن فضا به نفع خود، جبران ضعفها و شکستها، تقویت روحیه هواداران، و اساسا جبران مقبولیت تماما از دست رفته آن از نظر افکار عمومی دنیا و دولت های اروپایی برای پیشبرد اهداف رژیم درسیاست خارجی، مذاکره و بده بستان است. پزشک‌یان که میلیتر با کاندیداهای دیگر متفاوت است، با همین هدف و داغ کردن تنور انتخابات به صحنه آوردند تا انتخابات بی رمق را رمقی ببخشند. از نظر اکثریت مردم اما صورت مسئله اصلی نه انتخابات و به رسمیت شناختن این مضحکه، که نخواستن رژیم اسلامی و خواست سرنگونی است. اکثریت مردم دراعتراضات ۹۶ با شعار "اصلاح طلب، اصولگرا دیگر تمومه ماجرا" از جمهوری اسلامی عبور کردند. این انتخابات هم به داد رژیم اسلامی نمی رسد

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>



**برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!**



رضایت این طلاق را میدهد او را جلو دادگاه سندنچ با بیست ضربه چاقو جلو چشم همگان کشت. اگرچه او دستگیر شد اما جرم او از همان آغاز بازجویی "اختلافات خانوادگی" نام گرفت تا بتوانند محکومیت او را تخفیف دهند. مسلما این مرد یک دیوانه زنجیری نیست. او و امثال چنین قاتلینی میدانند در کشوری زندگی میکنند که به راحتی طبق قانون تبرعه خواهند شد. دیگر چه باک!

دو سال پیش در آستانه یک شبه انقلاب بودیم و رژیم تا لبه پرتگاه رسیده بود اما اهرمهایی او را موقتا نجات داده که هنوز سرپا مانده است. درسهای مهمی از روزهای خیزش انقلابی و شبه قیام بویژه حجاب سوزانی بجا مانده که بازگشت به آنچه رژیم تا بحال تحمیل کرده بود دیگر غیر ممکن است. کسی از این نسل و نسل قبلتر حاضر به بازگشت نیست. زنان و دختران جوان ترندی در جنبش زنان در جهان به صحنه سیاست امروز جهان آوردند که محققین و پیشتازان جنبش زنان در بسیاری جاها هنوز به آن مراجعه میکنند. ترندی که در اوج هجوم اسلام سیاسی، هجوم افکار پوسیده مذهبی در بحرانی ترین مناطق جهان چون خاورمیانه و شمال آفریقا در زمین بشدت میلیتاریزه و خطرناکی چون ایران که هر حرکتی با مجازات سنگین روبرو میشود مذهب را و درست ریشه های آنرا که زن ستیزی و بردگیست به چلنج کشیدند و آنقدر جلو آمدند که به موضوع نه تنها قشر ویژه ای از نوع خود بلکه به شعار بخشی از جامعه وسیع و معترض تبدیل شد. روزهای پرشور اعتراضات جمعی و جشن آتش سوزی حجاب ها موقتا فروکش کرده و یا بهتر است بگوییم زیر ضرب خشونت عریان مجبور به تغییر مسیرهای دیگر برای رسیدن به آن شده اما هرگز پایان نیافته است.

اما چرا برای اعتراض به این قتل زن جوان در سندنچ در خیابان کاری صورت نگرفت؟ چرا جمعی تجمع نکردند که بگویند این فرهنگ ما نیست و محکوم است؟ چرا باید مادر یکی از کشته شدگان خیزش انقلابی در قطار یک تنه به دفاع از پسرش دشمنان را چلنج کند؟ دستگیری او برای رژیم مثل آب خوردن است اما کنترل چهل نفر زن و مرد برای رژیم کلی هزینه بردار و حتی خطرناک است. رژیم و مامورین آنها همیشه از دامنه اعتراضات که در ایران بوفور به اعتراضات بزرگ تبدیل میشوند وحشت دارند. یک تظاهرات جلو دادگاه سندنچ هم پر هزینه، هم ترس آور برای رژیم است. اما فریاد یک زن که از خشم علیه قتلهای ناموسی زیر آوار حمله ماموران مسلح در یک چشم به هم زدن خاموش میشود. دختران جوانی را که با زور و لگد و کتک توی ماشین هول میدهند بلافاصله از اذهان مردم رهگذر پاک میشود اما پس گرفتن این دختر از دست این وحشیان کوهی از انرژی در میان مردم ایجاد میکند. اعتراضات بازنشستگان خواستی صنفی ست اما معنایش این نیست که فقط باید بازنشستگان ساعتها در میدانها و خیابانها به تنهایی راه بیفتند. کارگران فولاد البرز، پتروشیمی و اعتراضات وسیع همین چند روز اخیر در ماه ژوئیه با خواستههای برحقشان مکتوب و رهبران عملی شان سخنگویان آشکاری هستند که از جان خود گذشته اند. اما کسی جایی تعریفی کلاسیک از اعتراضات صرفا کارگری و مردانه

صفحه ۵

## زنان در مبارزه علیه خشونت تنها نیستند!

هاله طاهری

گزارش روزانه تعرض وحشیانه ماموران رژیم به دختران و زنان بر سر رعایت حجاب همچنان در صدر اخبار است. به یمن خیزش انقلابی دو سال پیش و انقلاب علیه حجاب و آپارتاید جنسی این امکان برای زنان در جامعه ایران بوجود آمد که برای همیشه در ردیف اخبار روزانه ایران و بخشا جهان قرار بگیرند که در خود موفقیت بزرگیست. بعد از چند ماه شبه انقلاب زنان در سال ۱۴۰۱ جامعه و بویژه زنان مجبور شده اند که در ظرفیتهای دیگری چه فردی و چه گروهی به مبارزات خود ادامه دهند و همچنان در خیابانها اینجا و آنجا بدون حجاب و مختلط با مردان حاکمیتی دوگانه را به رژیم تحمیل کرده اند. شهامت میخواهد که با زنان عبوس و خشن حجاب بان زیر باتوم و لگد و کتک مامورین انتظامی و پلیس از خود دفاع کرد و هنوز در داشتن حجاب مقاومت کرد و یا وقتی به آنها تذکر رعایت حجاب میدهند با انگشت وسط مامورین را مسخره کنند اما این مقاومتها هر روز اتفاق میافتد. در این میان چندن ویدیو و عکس از روزهای اخیر است. از جمله مادری که پسر ۱۶ ساله اش در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ کشته شد و جدال او در متروی تهران با یک حجاب بان. در این ویدیو این مادر از هیچی نمیترسد حتی وقتی که گفت: نمیخواهم خدا ببخشدش! شما پسر را کشتید؟ دوروبر او چند زنی بودند. تشخیص اینکه آیا کسی از این مادر دفاع کرد یا نه بسیار سخت نبود. بیشتر نظاره گر بودند و بزودی این خبر محو شد. در دستگیری روزانه دختران بر سر بی حجابی کسانی ویدیو میگردند و بلافاصله پخش میکنند که از اهمیت مهمی برخوردار است. اما حول این دختر جوان کسی دیده نمیشود که از او دفاع کند. مصاحبه هایی را از اپوزیسیون شنیدم که فعالین را مورد سوال قرار میدادند که چرا مردم از این زنان و دختران دفاع نمیکنند؟ جوابها متفاوت بود اما همه میگفتند که فشار بسیار زیاد است.

ما همچنین شاهدیم که زیر پوست حجاب دهها بی حقوقی روزانه از جانب دولت در اشکال متفاوت از طریق نیروهای امنیتی و پلیس صورت میگیرد. تقریبا به همه اجزا بدن زنان، به خنده هایشان، به راه رفتنشان، به حضورشان در جامعه، در خیابان، در خانه و محیط کار و مدرسه و دانشگاه، در قطار و اتوبوس شک میکنند و بهانه میگیرند. در یک کلام زن بودن جرم است. در چنین شرایطی بازتولید فرهنگهای پوسیده و رشد رفتارهای قرون وسطایی با زنان و دختران از همیشه بیشتر باد زده میشود. در یک صد سال گذشته با هر زره ترقی جامعه که رخ داده در مقابل صد ترفند و آیه و دسیسه بکار برده شده که سهم زنان در این ترقی و آگاهگری نازلتر و قابل کنترل برای خانواده و دولتها شود. جمهوری اسلامی بر بطن چنین شرایطی توانسته قفسهای بردگی و هجوم به زنان را به یک جامعه تحمیل کند. قتلهای ناموسی که اینجا جایش نیست دوباره بر تاریخ پیدایش آن نگاهی بیاندازیم، زن کشی یا فمیساید از نوع خشن ترین جنایات علیه زنان است که روزانه از زنان و دختران جوان قربانی میگیرند. حتی شرایط برای قاتلین آنچنان مهیاست که روز روشن و در ملا عام جلو چشم همگان زنان را سلاخی میکنند. همین هفته با فاجعه قتل یک زن جوان به نام نرمین از یکی از روستاهای سندنچ را شنیدیم که برای رهایی از یک زندگی جهنمی تقاضای طلاق از شوهرش داشت. شوهرش به بهانه اینکه

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!

## زنان در مبارزه علیه خشونت تنها نیستند

مدارس و بیمارستها، ایجاد تجمعات روز به روز و گروهی در هر شکل و ظرفی که مناسب شرایط موجود باشد، رهبران عملی این جنبش‌ها باید صدای هم را بشنوند. امروز اعتصابات کارگری و تحصن‌ها و اعتراضات خیابانی بازنشستگان روزانه ادامه دارد. جای جوانان، دانشجویان، زنان معترض، و دیگر اقشار معترض در کنار این معترضین که برای سفره‌های خالی از نان و یا جیبهای خالی برای ادامه زندگی بازنشستگی مبارزه میکنند خالی است. اگر اعتراضات آنها به سرانجامی برسد به کل فضای اعتراضی نیرو میبخشد.

زنان و حضورشان بخصوص خانواده‌های کارگران و بازنشستگان این اعتراضات را از حمله و دستگیری جمعی و یا به گروگان گرفتن فعالین و رهبران عملی تا حدودی مصون میدارد. در مقابل خواست برحق زنان بر سر حجاب و برچیدن آپارتاید جنسی به شعار همگانی تبدیل میشود. قاتلین زانی که زیر پرده ناموس و با پشت گرمی رژیم جرات قتل به خود میدهند اینبار از ترس همسایگان و مردم محل مجبور به عقب نشینی میشوند. مادر یک زندانی سیاسی روزهای سرد و یا بشدت گرم جلو زندان را با مراقبت زنان و جوانانی سپر میکند که انگار فرزندشان در کنارشان است. حضور در اعتراضات همدیگر راه را برای مرحله بعد که تشکیل تشکلهای بیشتر کارگری و سازمانهای مدافع حقوق زنان و جوانان باز میکند که به نوبه خود یک مرحله ما را به پیروزی نزدیکتر میکند. زنان و جوانان امروز در مبارزه با طرح نوح و مبارزه علیه آپارتاید جنسی تنها نیستند، اما مورد حمایت وسیع مردمی هم نیستند. این فاصله و یا کمبود را تنها با همبستگی و پشتیبانی از اعتراضات و تلاش برای شرکت کردن در اعتراضات روزانه چه کارگری، چه بازنشستگان و چه زنان اینجا و آنجا میتوان پر کرد.

۲۷ ژوئن ۲۰۲۴

واحدهای کارگری نداده است که تعداد مشخصی از کارگران باید به تنهایی در مقابل تانکهای رژیم بایستند. دانشجویان و محصلین آیندگان یک جامعه اند. بیش از هر نیروی اجتماعی آماده خطر و روبرو شدن با شرایط تقابل و جنگ هستند. اما منطقی نادرست است اگر توقع داشته باشیم آنها به تنهایی در مسیرشان باید جانفشانی کنند و در خیابانها به تنهایی طعمه ماموران امنیتی گردند. مادران خاوران، خانواده‌های زندانیان سیاسی و جان باختگان با دلی پر وهمچنان عذاردار میخواهند این رژیم را به پای محاکمه‌های علنی بکشانند و برای آزادی فرزندان‌شان میجنگند. آنها بیشتر از هر گروهی همه نوع بشری را در خود دارند. زن، مرد، کودک، جوان، کارگر، معلم، پرستار همه از خانواده جانباختگانند. چرا باید به تنهایی پشت درهای بسته و میلیتاریزه زندانها ساعتها به تنهایی فریاد بزنند؟

این رژیم هشیارتر از این است که با چهل و پنج سال تجربه در هم شکستن هر فعالیت و حرکت سیاسی-اجتماعی مردم اجازه به برگزاری تشکلهای و سازمانها را بدهد. چنانچه که میبینید حتی دیگر در وعده‌های اصلاح طلبانی که گدایی رای برای انتخابات میکنند نیز اشاره ای به هیچ گشایش فرمایشی نیست. حتی بر سر بحث مهم حجاب دهانشان کپک زده و خفه شده اند. در حال حاضر امر سازمانیابی و ایجاد تشکل نیز بسختی پیش میرود. اما یک راه ممکن است و این راه نیروهای اعتراضی و اما پراکنده را دور هم گرد میآورد و قابلیت مقاومت بیشتر در مقابل خشونت رژیم و تعرض به اندک تشکلهای و سازمانیابی موقتی را از جانب رهبران عملی جنبش ممکن میسازد. همبستگی با اعتراضات هر روزه از جانب بقیه نیروهای معترض و سیاسی در شهرها و محل کار و دانشگاه و جلو زندان و

## راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.



صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲

پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰

رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹

ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

[www.hekmatist.org](http://www.hekmatist.org)

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

[www.hekmatist.org](http://www.hekmatist.org)

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

و در انتخابات شرکت نمی کنیم. ما به سرمایه داران و مسببین فلاکت و مشقات خود و اکثریت مردم رای نمی دهیم. ما همدرد مادران و پدران داغدیده جگرگوشه هاشان هستیم و امیدواریم روزی عدالت کارگری مرهمی بر درد آنان بگذارد.

در این مناسبت ها در دو سال اخیر بارها دیده شده که چند فرد خودفروخته با همراهی کهنه بسیجی های عدالتخواه و مدافع "بخش خصوصی خوب"، به اسم "کارگران هفت تپه" برای حمایت از کاندیداهای حکومتی و کارفرمایان متفرقه از ریسی تا جلیلی و اسدبیگی و رستمی و ناصری و دیگران دلفک بازی میکنند. اینها قبل از اینکه از کسی حمایت کنند، خودشان و کارگران هفت تپه را خیلی ارزان فروختند. یک نتیجه جانبی کار این خودفروختگان، خوراک تبلیغاتی درست کردن برای فرصت طلبان و دشمنان هفت تپه است تا عمل چند مزدور را گوتره ای بحساب ۵۰۰۰ کارگر هفت تپه بگذارند تا شاید خرده حسابهایشان را با عده دیگری صاف کنند. کسی که نامی از هفت تپه شنیده است و فقط به اخبار گوش میدهد، چند فرصت طلب ضد کارگر که دنبال منافع حقیرند را با عظمت ایستادگی و اتحاد و آزادگی کارگر هفت تپه عوضی نمیگیرد. هفت تپه کم آدم نیمه راه ندیده است، اما سنت مبارزه اش با تکیه به خرد جمعی و اعتصابات قدرتمند و رهبران خوش نام مثل اسماعیل بخشی شناسنامه آنست نه افراد سست عصری که هر روز در جایی بیتوته میکنند.

کارگران هفت تپه و جنبش کارگری، هیچ منفعتی در دفاع از این نظام استثمارگر و سرکوبگر ندارند و برای ادامه و بقای آن در انتخابات سرمایه داران شرکت نمی کنند. ما به دشمنان طبقاتی مان رای نمی دهیم. شرکت در انتخابات تأیید کل وضعیت و مشکلات و مشقات و مسببین آنست .

جمعی از کارگران هفت تپه  
چهارشنبه ۶ تیرماه ۱۴۰۳



**به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کمک مالی کنید**

## انتخاب واقعی و آزاد فقط در شوراهای منتخب مردم است

### جمعی از کارگران هفت تپه

ما کارگران به هر موضوعی از دریچه منافع طبقه کارگر و اصل برابری شهروندان نگاه میکنیم. همانطور که سرمایه داران و کارفرمایان، ایرانی و غیر ایرانی، از دریچه منافع طبقه شان و سود و زیان شان به هر موضوعی نگاه می کنند .

کارگران ایران در صدها رشته تولیدی و خدماتی و هزاران شرکت و هولدینگ و واحدهای زنجیره ای، بی حقوق، با دستمزد تحقیرآمیز زیر خط فقر، با ناامنی شغلی و بیکاری، با قراردادهای برده وار و سرکوب مستمر روبرو هستند. نصف جامعه یعنی زنان از آزادی پوشش بعنوان بدیهی ترین و خصوصی ترین حق محروم شدند و اعتراض و فریادشان با فجایعی روبرو شده که داغ گرم هر محله و شهر ایران است. سالی یک میلیون بیکار به ارتش بیکاران اضافه میشود. این جامعه مملو از بحرانهای اجتماعی لاینحل است که هر روز بر دامنه و عمق آنها افزوده میشود. هر دولتی با هر اسمی آمده وضعیت را وخیم تر کرده است. همه این کاندیداها امتحان پس دادند و رفوزه شدند.

مسئول و مسبب این اوضاع دولت و کارفرمایان و سرمایه داران گردن کلفتی هستند که به چهاردرصدی ها معروفند و نود و شش درصد بقیه باید در خدمت اینان باشند و بیشترشان برای زنده ماندن با مرگ دست و پنجه نرم کنند. دولت و قانون هم منافع همین سرمایه داران را پاسداری میکند و گرنه چرا بجای اختلاسگران و جنایتکاران و دزدهای اموال جامعه، کارگر و معلم و زن و مرد و جوان و دانشجو و انسان معترض در زندانها می پوسند؟

به کی رای بدهیم؟ به مدافعان بازار آزاد و خصوصی سازی؟ به مدافعان واگذاری اموال عمومی و صندوق بیمه و بازنشستگی به قماربازان بورس؟ به افزایش سن بازنشستگی؟ به مسببین فقر و نداری و گرانی؟ به عاملان بی حرمتی و سرکوب در دهه های مختلف؟ در کدام انتخابات شرکت کنیم؟ انتخاباتی که بیشتر مردم و خود حکومتی ها در آن نمیتوانند شرکت کنند؟ سینه چاکان مدافع انتخابات بناچار اعتراف میکنند که انتخابات رقابتی و آزاد نیست، چرا باید در انتخابات غیر آزاد و گزینشی شرکت کرد؟

کارگران خواهان اداره شورایی جامعه با تکیه به خرد جمعی و آزادی تمام افکار هستند. تنها در چنین شرایطی، یعنی قدرت شوراهای همه شهروندان میتوانند در شرایط برابر و بطور آزادانه انتخاب کنند و انتخاب بشوند و تصمیم بگیرند و یا تصمیمی را هر وقت دلشان خواست لغو کنند. انتخاب واقعی و آزاد فقط توسط نظام شورایی و شوراهای آزاد و منتخب مردم میتواند موضوعیت داشته باشد، در غیر آن کم و زیاد فقط سلب اختیار و انتخاب است.

کارگران هفت تپه و جنبش کارگری ایران در کنار تلاش جامعه برای رسیدن به آزادی و برابری و حقوق و حرمت همگان است. اشخاص در ظرفیت شخصی میتوانند هر تصمیم درست یا غلطی بگیرند. اما ما بعنوان "کارگران هفت تپه"، تصمیمی برای شرکت در انتخابات نداریم

**جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!**



دیوانگی است اگر باور کنیم که پورمحمدی جور دیگری با مردم رفتار می‌کرد. چهره‌ای امنیتی که دستور هزاران قتل و اعدام را امضا کرده است، می‌گوید اگر من بودم با متانت رفتار می‌کردم. آدم هر چه باشد ریشه‌ی خود را گم نمی‌کند. وقتی در ۲۷ سالگی دادستان کل استانهای هرمزگان و کرمانشاه و خوزستان و خراسان بودی، ده‌ها هزار نفر را به جوخه‌ی اعدام سپردی. ترور میکونوس و همچنین غلام کشاورز در زمان صدارت شما به عنوان معاونت اطلاعات خارجی در وزارت اطلاعات صورت گرفت. قتل‌های زنجیره‌ای در چه زمانی صورت گرفت؟ مگر شما قائم مقام وزیر اطلاعات نبودید و بعدها مشخص نشد که این کار در درون این نهاد و حتماً با دستور شما صورت گرفته است.

شما هم رده و هم ردیف جنایتکارانی مثل خامنه‌ای و رئیسی و خاتمی و فلاحیان هستید. در این هیچ شکی نیست. دست جنایت شما و آغشته بودن به خون هزاران انسان جزئی کوچک از کارنامه‌ی سیاه شماست. پرونده شما برای یک دادگاه عادلانه مردمی روی میز قرار دارد و باید برای تک تک جنایت‌هایتان پاسخگو باشید. ترس را از همین الان در چهرتان می‌توان دید. اینکه می‌گوئید من نبودم و سی هیئت دیگر بود و این پروژه‌ی جمهوری اسلامی بود. اینها بهانه است تا بگویید من کاره‌ای نبودم. مطلقاً نمی‌پذیریم. جمهوری اسلامی بود، درست. اما جمهوری اسلامی برای ما شما هستید، خامنه‌ای و خاتمی و فلاحیان و هزاران نیروی سرکوب و همه‌ی آمرین و عاملین آن است.

### ما انتخابمان را کرده‌ایم. ما راهی جز سرنگونی انقلابی

رژیم اسلامی نداریم. اگر برای دنیایی بهتر، اگر برای آزادی و برابری مبارزه می‌کنیم، اگر می‌خواهیم که یک زندگی لایق انسان را داشته باشیم، جز سرنگونی انقلابی شما راهی نداریم. پروژه‌ی سخت شما که چهل سال است ادامه دارد، در مقابل خواست ما. سرنگونی شما، نرم می‌شود و می‌شکند. آستین‌هایمان را بالا زده‌ایم و تا سرنگونی شما و رسیدن به یک دنیای بهتر از پا نمی‌نشینیم.

ژوئن ۲۰۲۴

**منصور حکمت را بخوانید**

**و به دیگران معرفی کنید!**

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

## پورمحمدی و پروژه سخت نظام

سیوان کریمی

امروز بر هیچ کسی پوشیده نیست که دعوی به اصطلاح جناحهای رژیم اسلامی تنها و تنها برای خریدن عمر برای این رژیم است. نه حناپشان رنگی دارد و نه کسی به حرفشان گوش می‌دهد. تنور مضحکه انتخاباتشان هم با هیچ هیزمی گرم نمی‌شود. اما در لابلای این دعوی زرگری و خیمه‌شب‌بازی این آدمکها، پرده از تاریخ سراسر سیاهشان کنار رامی‌زنند. مصطفی پورمحمدی که در جنایت، اعدام و کشتار مردم دستی به درازای عمر رژیم اسلامی دارد، گافی بزرگ داد. گافی که حالا از "هیئت مرگ" به "هیئت‌های مرگ" تغییر کرد. این یعنی آنچه در تهران و توسط هیئت مرگ انجام شده، در بیش از سی جای دیگر در ایران صورت گرفته است. این یعنی اعدام دهها هزار نفر در دهه‌ی ۶۰ را باید در سی ضرب کرد. این یعنی جمهوری اسلامی برای اینکه میخ خود را بکوبد فقط و فقط کشتار می‌کرد. این تصویر بسیار کوچکی از دنیایی پر از جنایت است. این نکته اما برای چپ و کمونیست جامعه ایران نه تازگی دارد و نه جای تعجب. این را بیش از چهار دهه است که می‌گویم و فریاد می‌زنیم که رژیم اسلامی با کشتار و اعدام توانست خود را به جامعه ایران حقه کند.

نکته قابل تامل در این سخن پور محمدی، قاضی مرگ دهه شصت، این است که چرا باید یک رژیم در بیش از چهل سال از عمر خود باید هر روز و هر لحظه شاهد چنین پروژه‌های "سختی" باشد. به تاریخ منحوس رژیم اسلامی نگاه کنید. از روز اول به قدرت رسیدنش کشتار و اعدام را شروع کرد. و این کشتار و شکنجه و اعدام تا امروز ادامه دارد. به جرات می‌توان گفت، نمی‌توان یک دوره را پیدا کرد که چنین پروژه‌ای را برای خود تعریف نکرده باشند. این بدان معناست که رژیم اسلامی تکه‌ای نجسب برای جامعه و مردم ایران است. مبارزات کارگری، مبارزات زنان و دانشجویان که در این دهه‌ی گذشته با مبارزات بازنشستگان و معلمان و پرستاران گره خورده است، نشان می‌دهد که اکثریت عظیم جامعه ایران جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. اکثریتی که در دیماه ۹۶، آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ نشان دادند که برای سرنگونی جمهوری اسلامی هزینه می‌پردازند. رژیم اسلامی هم در مقابل با کشتار و شکنجه و ساچمه و زندان و اعدام به تقابل با این وضعیت پرداخت.

**ذات رژیم اسلامی همین است. تغییر پذیر نیست نه**

نه می‌خواند و نه می‌توانند. آمرین و عاملین این رژیم، کاسه‌لیسهای دستگاه‌های نظامی و امنیتی آن، بدون این رژیم نمی‌توانند به حیات معمولی خود ادامه دهند. هرچه از صندوق این مضحکه بیرون بیاید، ادامه این سیاست، ادامه کشتار و شکنجه و اعدام است. برای مردم و بویژه کارگران و زحمتکشان جامعه این وضعیت کاملاً روشن است. به اعتصاب کارگران نفت و گاز و پتروشیمی بنگرید که در بحبوه‌ی تلاش رژیم برای اقناع مردم و شرکت در این مضحکه، پرچم اعتصاب و اعتراض را بلند کرده‌اند. می‌دانند که از رژیم اسلامی، از اصلاح‌طلب و اصولگرای آن هیچ آبی گرم نمی‌شود.

**قتل مهسا ژینا امینی و اگر من بودم پورمحمدی؛**

**نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!**

## اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری-حکمتیس

## در رابطه با محکومیت فشار بر احزاب اپوزیسیون کردستان

## ایران مستقر در اقلیم کردستان

تهدید و فشار بر احزاب اپوزیسیون ایرانی مستقر در اقلیم کردستان عراق به ترک اردوگاه های محل استقرار آنها از جانب دولت اقلیم کردستان بویژه اتحادیه میهنی محکوم است.

به دنبال سفر باقری کنی سرپرست وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به عراق دور تازه ای از تهدید علیه اپوزیسیون ایرانی مستقر در اقلیم کردستان آغاز شده است.

از دو سال قبل در نتیجه توافقات امنیتی دولت های جمهوری اسلامی و عراق فشار بر احزاب اپوزیسیون کردستان ایران مستقر در اقلیم و ترک اردوگاه هایشان بیشتر شده دولت اقلیم و بخصوص اتحادیه میهنی به ابزار پیشبرد این سیاست تبدیل شده است.

طبق اخبار موثق اخیرا نیروی آسایش اتحادیه میهنی به احزاب و سازمانهای مستقر در اردوگاه ها اخطار جدی داده اند که هر چه زودتر این اماکن را ترک کرده و به کمپهایی که در اقلیم کردستان برای آنها در نظر گرفته شده نقل مکان کنند. در غیر اینصورت آسایش و نیروهای امنیتی اقلیم خود نحوه و چگونگی انتقال را عملی می کنند. هدف از این سیاست محدود کردن فعالیت احزاب اپوزیسیون کردستان ایران در اقلیم و محبوس کردن این احزاب در کمپهای پناهندگی در عربت و سور داش که مرز ایران و اقلیم کردستان است، میباشد.

رژیم جمهوری اسلامی که در نتیجه خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و به دنبال اعتراضات و اعتصابات کارگری و اجتماعی ضربه دیده و بشدت تحت فشار است، باحمله به اردوگاههای اپوزیسیون ایرانی در اقلیم کردستان و با همدستی دولت مرجع عراق و همکاری دولت اقلیم برای تشدید فشار بر جریانات اپوزیسیون کردستان ایران قصد جبران این شکستها و همزمان نمایش قدر قدرتی خود را دارد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری-حکمتیست تهدیدات علیه اپوزیسیون کردستان ایران به ترک اردوگاهها را بشدت محکوم می کند. ما دولت اقلیم کردستان و بخصوص اتحادیه میهنی را در این رابطه مسئول و ابزار پیشبرد سیاستهای دولت جمهوری اسلامی و عراق می دانیم.

ما از همه احزاب و سازمانها و مردم کردستان عراق می خواهیم که علیه این سیاست ضد انسانی ساکت نباشند و از هر تلاشی علیه این سیاست و حضور و فعالیت سیاسی آزادانه اپوزیسیون ایرانی مستقر در اقلیم کردستان کوتاهی نکنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری-حکمتیست

27 جون ۲۰۲۴

**انتخاب مردم**  
**مرگ بر**  
**سرنگونی**  
**انقلابی رژیم**  
**اسلامی**  
**زنده باد**  
**آزادی و برابری**

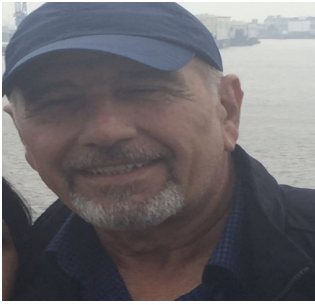
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

08:27

**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**





افکار عمومی است. کیس آسانژ نشان داد که آزادی بیان در دموکراسی های غربی مادام منافع دولتهای بورژوازی را به خطر بیندازد و دست آنان را در ارتکاب جنایت رو کند محدود و پوشالی است.

حقوق بشرشان نیز همینی است که شاهدش هستیم. مگر نمی بینیم که در اروپا از آغاز نسل کشی مردم فلسطین توسط دولت نژاد پرست اسرائیل هر نوع اعتراضی به این جنایت مورد پیگرد قانونی قرار می گیرند و اختناق رسانه ای بر قرار کرده اند و اعتراض مردم آزادیخواه به این جنایت را محدود و کنترل می کنند. مگر شاهد نبودیم که جنایتکاری همچون حمید نوری علاوه بر رای دادگاه به محکومیت او به دست داشتن در جنایت و قتل عام زندانیان سیاسی در شهریور ۶۷ آزادی و به ایران تحویل دادند. توهمی به دموکراسی غربی نیست. اما آزادی جولیان آسانژ موفقیتی برای مدافعان آزادی و آزادی بیان است. تبریک به همه آزادیخواهان و همه کسانی که طی سالهای طولانی برای آزادی آسانژ تلاش کردند. ۲۷ ژوئن ۲۰۲۴



## آزادی جولیان آسانژ موفقیتی برای مدافعان آزادی بیان

سعید یگانه

جولیان آسانژ بنیان گذار ویکی لیکس پس از ۵ سال حبس از زندان لندن آزاد شد. او پس از ۱۴ سال به استرالیا بازگشت. فعالین سیاسی و نهادهای مدافع حقوق و آزادی بیان در جهان از آزادی آسانژ استقبال کردند. آزادی آسانژ نتیجه تلاش چندین سال کارزار جهانی توسط فعالان آزادی مطبوعات، وکلا، و مدافعین آزادی بیان و همسرا بود. جولیان آسانژ پس از توافق برای اقرار به جرم در دستگاه دادگستری آمریکا از زندان آزاد شد.

جولیان آسانژ به دلیل افشای اسناد و اطلاعات محرمانه ارتش آمریکا در مورد جنایات جنگی در عراق و افغانستان، از جمله کشتار غیر نظامیان و بدرفتاری با زندانیان تحت تعقیب قضایی قرار گرفت. آسانژ ابتدا در سال ۲۰۱۰ در انگلیس بر اساس حکمی از سوی دولت سوئد، به اتهام تجاوز جنسی که بعداً از این اتهام "تبرئه شد" بازجویی و دستگیر شد. او بعداً به سفارت اکوادور گریخت و آنجا پناهنده شد تا به کشور سوئد استرداد نشود. با تغییر رئیس جمهور اکوادور به دلیل وابستگیش به دولت آمریکا، آسانژ مصونیت را از دست داد، توسط پلیس انگلیس دستگیر و به مدت ۵ سال تا آزادی او در روزهای گذشته زندانی شد. آسانژ در زمانی که در سفارت اکوادور پناهنده بود سازمان سیا قصد داشت او را برباید یا به قتل برساند. وکیل آسانژ در این رابطه گفته است که "به عنوان یک شهروند آمریکایی سخت ناراحتم از اینکه دولت آمریکا قصد داشت بدون حکم دادگاه یک شهروند را برباید و یا به قتل برساند، صرفاً به این دلیل که او جنایتی را افشا کرده است."

جولیان آسانژ به دلیل افشای جنایات جنگی آمریکا در عراق و افغانستان طی پیگرد قرار گرفت و هزینه سنگینی در دفاع از مطبوعات آزاد و آزادی بیان متقبل شد. او بعد از ۱۴ سال پناهندگی، زندان و تهدید به مرگ و فشارهای متعدد بالاخره از زندان آزاد شد. آزادی آسانس بدون تلاش فعالان مدافع آزادی بیان در جهان و تحت فشار قرار دادن دستگاه قضایی آمریکا ممکن نمی بود. آزادی آسانژ قدمی بزرگ در دفاع از مطبوعات آزاد و آزادی بیان برای بیان حقیقت در

**partow TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال اینترنتی شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرانسی : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،  
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۲/۲

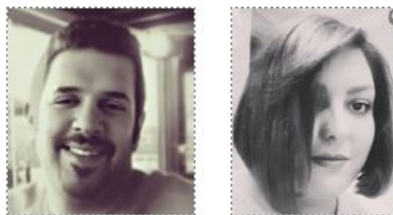
ساعات پخش به وقت ایران :  
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰  
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

ژوری کلاب هاوسی شورای هاوکاری هیژده  
چرپ و کومونیستیکان له کوردستان  
شورای های ایالتی  
هنر حزب و کومونیستیکان له کوردستان

**کوچی میژرووی خه لکی مهربوان له مانگی**  
**پوشپه ری ۱۳۵۸ ، هوکار و کاریگه ریبه کانی.**

میوانی نیواره کور به ریژ:  
سالج سهررداری

شهمه ۲۹ ژوئین  
۹ ی پوشپه ری ۱۴۰۳  
کاترژمیر ۱۹:۳۰ به کاتی نه وروپا



## ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

**کارگران پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی اعتصاب سراسری خود را شروع کردند**

کارگران پروژه‌های در صنعت نفت، گاز و پتروشیمیهای جنوب با خواست افزایش دستمزد، حذف پیمانکاران و اجرای طرح ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت وارد اعتصاب سراسری شدند. این اعتصاب از روز ۳۰ خرداد از کارگاه‌های مختلفی آغاز شده تا امروز جمعه ۸ تیر در بیش از ۹۵ شرکت با جمعیت بیش از ۲۰ هزار کارگر و در حال گسترش است.

ما در برنامه جا معه و کارگران ضمن حمایت قاطع از خواست و مطالبات کارگران پروژه‌های و پیمانی جنوب از همه هم طبقه ایمان در سراسر ایران میخواهیم از اعتصاب و خواسته های کارگران صنایع نفتی حمایت کنند!

**تجمع اعتراضی کارکنان رسمی شرکت نفت فلات قاره لاوان**

روز جمعه اول تیرماه ۱۴۰۳ کارکنان رسمی شاغل در شرکت نفت فلات قاره واقع در منطقه عملیاتی لاوان تجمع اعتراضی برپا نمودند

**تجمع اعتراضی کارگران اخراج شده پتروشیمی ارغوان گستر ایلام**

چهارشنبه ۶ تیرماه ۱۴۰۳ کارگران اخراج شده پتروشیمی ارغوان گستر ایلام برای ۲۲مین روز مقابل استانداری ایلام تجمع اعتراضی برپا نمودند

**کارگران پروژه راه سازی "بجستان به فردوس" در خراسان رضوی پنج ماه است دستمزد نگرفته‌اند**

حدود پنج ماه است که دستمزد کارگران شاغل در پروژه راه‌سازی "بجستان به فردوس" در استان خراسان رضوی پرداخت نشده است. بنابه‌گزارش منتشر شده کارگران این پروژه می‌گویند آن‌ها از طریق یک شرکت پیمانکاری در پروژه راه سازی بجستان به فردوس مشغول کار هستند و از دی‌ماه سال گذشته حقوق‌شان پرداخت نشده و مسئولان نیز پاسخی به طلب آن‌ها نداده‌اند. کارگران پروژه راه سازی "بجستان به فردوس" اغلب از شهرها و روستاهای همجوار در این پروژه مشغول به کار هستند. پرداخت نکردن پنج ماه دستمزد کارگران آن‌ها را با مشکلات معیشتی زیادی روبه‌رو کرده است.

**تجمع اعتراضی کارگران روزمزد علوم پزشکی چابهار**

روز جمعه ۱ تیر ماه ۱۴۰۳، کارگران روزمزد علوم پزشکی چابهار که به مدت ۱۰ ماه است که حقوق و معوقات خود را دریافت نکرده و در وضعیت بد معیشتی بسر می‌برند اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

یکی از کارگران روزمزد علوم پزشکی چابهار گفت: "ما تعداد ۳۰ نفر

نیروهای روزمزد هستیم که ۱۰ ماه است به ما حقوق نداده اند، روز شنبه ۲۳ خرداد ماه، تمام نیروها با تجمع در علوم پزشکی خواستار پرداخت حقوق خود شدیم که به ما قول دادند روز گذشته پنج‌شنبه پرداخت خواهد شد اما مثل قبل وعده دروغ و پوچ بود و اصلا کسی پاسخگو نیست. مسئولین دانشگاه نه استخدام می کنند و نه حقوقی میدهند با اینکه قبلا هم اطلاع رسانی کردیم تاکنون جوابی نگرفتیم در وضعیت بد معیشتی قرار داریم."

**انصراف جمعی رزیدنت های زنان دانشگاه علوم پزشکی شیراز**

در نامه ای به رئیس دانشگاه علوم پزشکی شیراز تعدادی از دستیاران رشته زنان این دانشگاه به دنبال کشیکهای سنگین و فشارهای کاری زیاد انصراف دسته جمعی خود را از این رشته، به منظور جلوگیری از اتفاقات ناگوار و خسارت ها در آینده، اعلام کردند.

**تجمع اعتراضی بازنشستگان مس سرچشمه کرمان**

شنبه دوم تیرماه ۱۴۰۳ بازنشستگان مجتمع "مس سرچشمه"، در اعتراض به واگذاری صندوق بازنشستگی این بنگاه اقتصادی به وزارت کار و با خواست باطل شدن مصوبه ی "شورای عالی رفاه" در این زمینه در برابر صندوق بازنشستگی تجمع نمودند.

**تجمع اعتراضی بازنشستگان صنایع فولاد**

روزیکشنبه ۳ تیرماه ۱۴۰۳ بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان و البرز مرکزی در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد این شهر دست به تجمع زدند.

**تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی**

روزیکشنبه ۳ تیرماه ۱۴۰۳، جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران، کرمانشاه، اهواز و شوش مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل سازمان تأمین اجتماعی دست به تجمع زدند.

**جانباختن یک کارگر در کارخانۀ فولاد سراب چنگایی**

روز پنجشنبه ۳۱ خردادماه ۱۴۰۳، "میلاد کمالی" کارگر ۳۰ ساله اهل روستای سراب یاس خرم آباد، در حین کار در کارگاه فولاد سراب چنگایی جان خود را از دست داد. این حادثه دلخراش بر اثر نقص فنی جرثقیل و سقوط ناگهانی شمش آهن ۲۴ تنی بر روی سر این کارگر جوان رخ داده است.

یک کارگر لوله کشی بر اثر سقوط از ارتفاع کشته شد

نموده و موضع شورای هماهنگی، همان بیانیه تحلیلی پیرامون انتخابات است که در کانال شورا منتشر شده است.

### شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

۶ تیرماه ۱۴۰۳

صدر حکم زندان برای محمد ایران‌نژاد، مرتضی صیدی و نصراله امیرلو

شعبه دوم دادگاه کذایی شهریار سه فعال کارگری به اسامی محمد ایران‌نژاد، مرتضی صیدی و نصراله امیرلو را به اتهام تلاش برای ایجاد تشکل کارگری هر کدام به دو سال زندان محکوم کرده است. اتهام این سه نفر "تشکیل گروه با عنوان اتحادیه کارگری به قصد برهم زدن امنیت کشور" اعلام شده است.

محمد داوری، فعال کارگری محبوس در زندان عادل‌آباد شیراز همچنان در اعتصاب غذا به سر می‌برد

محمد داوری، فعال کارگری محبوس در زندان عادل‌آباد شیراز که هم‌اکنون در سلول انفرادی این زندان نگهداری می‌شود، همچنان در اعتصاب غذا به سر می‌برد. این فعال کارگری از دو هفته پیش دست به اعتصاب غذا زده است. محمد داوری ۱۹ خرداد ماه در اعتراض به حبس در سلول انفرادی اعتصاب غذای خود را آغاز کرد. این فعال کارگری زندانی تاکنون موفق به ارتباط با خانواده خود نشده است.

محمد داوری ۲۶ اردیبهشت سال جاری بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. سال گذشته شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز به ریاست قاضی سیدمحمود ساداتی، محمد داوری را به اتهام "توهین به رهبری" به سه سال حبس تعزیری، منع خروج از کشور با ابطال گذرنامه، منع فعالیت در فضای مجازی و اقامت اجباری در شهرستان بردسیر کرمان به مدت دو سال، و به اتهام "تبلیغ علیه نظام به نفع گروه‌های معاند در فضای مجازی" به یک سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم کرد. براساس گزارش منابع آگاه جلسه دادگاه بدون حضور او برگزار شد و "دادگاه در مورد دلیل طرح اتهام

صفحه ۱۲

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی...

یک کارگر جوان حین کار لوله‌کشی گاز از طبقه سوم یک ساختمان در شهر اسلام‌آباد غرب سقوط کرد و جان باخت. این کارگر که حدود ۲۶ سال سن داشت به دلیل عدم وجود ایمنی کار که کارفرما مدعی است این کارگر بدلیل عدم استفاده از تجهیزات ایمنی از ارتفاع ساختمان به پایین سقوط کرده و به دلیل شدت جراحات وارده در دم جان سپرد.

در ایران سالانه هزاران کارگر بدلیل سودجویی کارفرما و دولت در عدم تامین ایمنی کار کشته و مصدوم میشوند. ما در برنا مه جامعه و کارگران همواره اعلام کرده ایم، سودپرستی دولت و کارفرماها در عدم تامین ایمنی کار قاتل مستقیم کارگران کشته شده هستند. ما با بازماندگان و همکاران کارگران جانباخته اعلام همدردی میکنیم.

بیانیه‌ی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در خصوص سوءاستفاده از نام و لوگوی این شورا

رفتار مزورانه دیگر این بار از صدا و سیما!

پس از رفتار مزورانه وزارت آموزش و پرورش و درج خبر تشکل خودساخته متشابه با نام شورا، شاهد تزویر دیگری این بار از صدا و سیما جمهوری اسلامی هستیم. شبکه خبر صدا و سیما در بخش خبر ساعت ۸:۰۰ خود در دقیقه ۸:۰۹ خبری از اخبار انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ را اعلام می‌نماید.

متن خبر:

در ادامه حمایت‌های احزاب و جناح‌ها از نامزدها، شورای هماهنگی تشکلهای انقلابی فرهنگیان و حزب اسلامی رفاه ایران اعلام کردند نامزدشان برای انتخابات آقای قالیباف است.

لینک خبر ساعت ۸:۰۰ شبکه خبر

<https://telewebion.com/episode/0xdab82bf>

لازم به ذکر است در زمان پخش این خبر، آرم اصلی و لوگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با تغییر چند آرم از تشکلهای عضو آن بر صفحه تلویزیون ظاهر می‌شود.

شیوه پخش خبر، چه استفاده از لوگوی شورا و چه نام متشابه بکار برده شده، به گونه‌ای است که بیننده و شنونده این خبر چنین برداشت خواهد کرد که شورای هماهنگی از نامزدی خاص اعلام حمایت نموده است.

این عمل صدا و سیما که باعث گمراهی بیننده میشود، تخلفی آشکار از رسالت رسانه‌ای خود بوده که در صداقت این رسانه شک و تردید ایجاد می‌نماید.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکوم نمودن چنین رفتارهایی رسماً اعلام می‌نماید در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳، موضعی در قبال حمایت از هیچ کاندیدایی اتخاذ



**partow TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه‌ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،  
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۲/۲

ساعات پخش به وقت ایران :  
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰  
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

**اعدام قتل عمد دولتی است!**

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی...

توهین به رهبری "هیچ مصداقی را اعلام نکرد.

محمد داوری، ۲۹ ساله کارشناس عمران دانشگاه آزاد یاسوج و دانشجوی مقطع کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه گلستان شیراز است. او به خاطر فعالیت‌هایش پیش از این نیز سابقه بازداشت و محکومیت دارد.

**امان جلالی نژاد، معلم ساکن اهواز ۷۹ روز پس از دستگیری همچنان در زندان شیبان اهواز بلاتکلیف است**

امان جلالی نژاد، معلم ساکن اهواز، به‌رغم گذشت بیش از هفتاد و پنج روز از زمان دستگیری، کماکان به صورت بلاتکلیف در زندان شیبان این شهر در بازداشت به‌سر می‌برد.

امان جلالی نژاد، معلم و نقاش شاغل در آموزش و پرورش استان خوزستان و ساکن اهواز است.

گزارش منتشر شده به نقل از یک منبع مطلع نزدیک به خانواده این معلم بازداشتی نوشت: "علی‌رغم گذشت ۷۹ روز از زمان دستگیری آقای جلالی نژاد و برگزاری جلسه دادرسی در شعبه ۱۳ دادرسی انقلاب اهواز، تاکنون پرونده او به دادگاه ارسال نشده است. همچنین، با وجود اینکه بازپرس پرونده دستور رفع توقیف وسایل ضبط شده او را داده بود، کماکان حفاظت اطلاعات از تحویل آنها خوداری می‌کنند."

نیروهای امنیتی امان جلالی نژاد را در تاریخ بیستم فروردین سال جاری، در محدوده ورودی شهر اهواز بازداشت کردند و اوایل خرداد از بند قرنطینه زندان شیبان اهواز به بند امنیتی این زندان منتقل کردند.

این معلم در تاریخ بیست و یکم خردادماه، در شعبه ۱۳ دادرسی انقلاب اهواز از بابت "تبلیغ علیه نظام" مورد تفهیم اتهام قرار گرفته است. با این حال اتهام‌های مطروحه علیه او نامشخص است.

فعالان مدنی پیشتر ابراز نگرانی کرده اند که او احتمالاً در سلول انفرادی و در شرایط نامساعد برای اعتراف اجباری به جرایم نامعلوم تحت فشار قرار گرفته باشد.

خانواده این معلم نیز پیش از این در شبکه‌های اجتماعی نسبت وضعیت امان و همچنین وضعیت نامساعد والدین نگران او، ابراز نگرانی کرده‌اند. از شهریور ۱۴۰۰ که دور تازه اعتراض‌های معلمان آغاز شد، نیروهای امنیتی ده‌ها معلم را بازداشت و به حبس محکوم کردند و بسیاری از معلمان را به صورت موقت یا دائم از کار اخراج کردند. در این مدت دستگاه سرکوب حکومت ایران به شیوه‌های مختلف فعالان صنفی معلمان را تحت فشار قرار داده تا آن‌ها را در پی‌گیری خواسته‌های صنفی‌شان ناتوان سازد.

**عفو بین‌الملل: توماج صالحی باید فوری و بی‌قید و شرط آزاد شود**

سازمان عفو بین‌الملل با انتشار پیامی ضمن اشاره به لزوم پایان طولانی کردن روند قانونی رسیدگی به پرونده توماج صالحی، تاکید

کرد: "باید او فورا و بدون قید و شرط آزاد شود."

این سازمان یادآوری کرده که توماج صالحی از حق حقوق بشر مسالمت‌آمیز خود استفاده کرده و اساساً نباید به صورت خودسرانه بازداشت می‌شد، چه برسد به این که تحت نقض مکرر حقوق بشر قرار گیرد.

به تازگی پس از مدت‌ها تلاش و فشار فعالان و آزادی‌خواهان حکم اعدام توماج صالحی در دیوان عالی جمهوری اسلامی نقض و پرونده برای بررسی مجدد به شعبه هم‌عرض فرستاده شد.

همچنین، حکم قبلی دادگاه انقلاب نیز که منجر به محکومیت شش سال و سه ماه حبس توماج شده بود نقض و برخلاف قانون تشخیص داده شد.

**احضار مجدد محمد حبیبی به دادگاه کذایی شهریار**

محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران، مجدداً به دادگاه احضار شد.

این فعال صنفی معلمان که در فروردین ماه سال ۱۴۰۲ بخاطر اعتراض به مسمومیت‌های سریالی دانش‌آموزان بازداشت شده بود، در دی ماه همان سال به اتهام اجتماع و تبانی در دادگاه انقلاب شهریار محاکمه شد و مجدداً برای همان پرونده به همان دادگاه احضار شده است. محمد حبیبی در تاریخ نهم تیرماه باید در شعبه دوم دادگاه انقلاب شهریار حاضر شده و مجدداً محاکمه شود.

**شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران**

### پزشکیان ناجی آزادی نیست...

عمومی را میکند.

درهیچ تاریخی و درهیچ نقطه‌ای از جهان، دموکراسی و آزادی نه تنها از صندوق رای بیرون نیامده، بلکه تاریخ نوین انسان نشان داده است که رای‌گیری کلاه شرعی دولتهایی است که می‌خواهند هر دوره‌ای نان مردم را با یک برنامه‌ی دیگر به توبره بکشند. اکنون هم نه پزشکیان و همپالکی‌های در جبهه‌ی مقابل مصلح هستند و نه ناجی آزادی و برابری. جمهوری اسلامی از همان روز اول حکومتش نه برای اصلاحات به سرکار آمد و آورده شد و نه برای رفاه و آزادی. رای مردم روشن است. رای مردم برچیدن این نظام برای پایان دادن به بدبختی، فلاکت و آپارتاید جنسی است. اردوی انقلاب باید برای سرنگونی این نظام گندیده خود را آماده کند.

۲۷ ژوئن ۲۰۲۴

## ستون آخر،

## پزشکیان ناجی آزادی نیست. یک اصلاح طلب ورشکسته در لباس اپوزیسیون ورشکسته تر!

### پروین کابلی

مسعود پزشکیان که اکنون کاندیدای رئیس جمهوری ایران است و به جای جلال رئیسی می خواهد در صدر جمهوری اسلامی قرار گیرد در پرونده ی خود بعد از نمایندگی در تبریز و آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی شغل های دیگر مثل نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی و سپس وزیر بهداشت و درمان را نیز برعهده داشته است. او که فرزند پدری آذربایجانی و ازمادری گرد تبار است با سفر تبلیغاتی به سنندج میخواهد از پنجا درصد تبارگرد بودنش برای جمع کردن آرا استفاده کند. پزشکیان در قدم اول مستقیم از فرودگاه به بهشت محمدی رفت و در آنجا از خاطره ی شهدای هشت سال دفاع مقدس که همان جنگ با عراق بود را گرامیداشت و بعد برسر مزار جان بختگان هوایی او کرائینی که بوسیله جمهوری سقوط کرد ظاهر شد. سپس قول داد که در خدمت مردم کردستان باشد و مناطق محروم را درست کند.

کردستان جای مهمی است، اما نه برای رای دادن و مشروعیت بخشیدن به رژیم. این خطای بزرگی است که اصلاح طلبان دولتی برای مرمت آبروی بریاد رفته خود و کسب رای می خواهند از سنندج و مردم کردستان استفاده کنند. اما صورت مسئله برای مردم در کردستان روشن است. مردم کردستان با مخالفت و مقاومت در تقابل با رژیم اسلامی یدی طولانی به طول عمر ننگین جمهوری اسلامی با حکومت جنایتکاران دارند. پزشکیان که



در سنندج طرفدار آزادی پوشش شد سفر بعدیش در کنار مزار قاسم سلیمانی از جنایتکاران رژیم ظاهر شد. جنایتکاری که نه تنها سمبل ترور و جنایت در خاورمیانه بود بلکه مسئول ترور و به قتل رساندن هزاران جوان و کودک در عراق و سوریه میباشد. مگر میشود هم خدا را خواست و هم خرما؟ وقاحت و بیشرمی حاکمان رژیم جمهوری اسلامی همه چیز را ممکن می سازد.

چه پزشکیان از جناح اصلاح طلبان به مرحله ی بالاتری در انتخابات صعود کند یا قبل از آن بوسیله بیت رهبری کنار زده شود به حال مردم زحمتکش دریابین ترین جامعه ی ایران که هر ساعت با گرسنگی و فقر و فلاکت دست بگریباتند فرق زیادی نمیکند. برای زنان بپاخواسته اینان همان کسانی هستند که به گلوله شان بسته اند. رژیم با مردمی روبرو است که آماده ی قیام هستند. این را در دوره های مختلف نشان داده اند. برای مردم وجود او یا هر کس دیگری که در این رژیم دست به کار است مصداق سگ زرد برادر شغال است را می دهد.

برسران رژیم پوشیده نیست که مردم ایران رای خود را به جمهوری اسلامی داده اند. جمهوری اسلامی باید برود. نه کمتره بیشتر. در کشوری که هر روز پیکر به خون کشیده ی یک معترض رژیم در اینجا و آنجا پیدا میشود، در کشوری که گورستان ها از تصاویر جوانان معترض کشته بر سنگ قبرها پر شده است، در کشوری که زنان برای انتخاب پوشش کشته میشوند و مردم زحمتکش نان بر سفرشان نیست، صحبت از انتخاب و انتخابات بطور واقعی به جوک هزاران کارمندیای اجتماعی تبدیل شده است و این بدون شک نمایندگی اذهان

صفحه ۱۲

### آدرسهای تماس با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر اجرایی

سعید یگانه

[saidyegane@gmail.com](mailto:saidyegane@gmail.com)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

[saeed\\_arman2002@yahoo.co.uk](mailto:saeed_arman2002@yahoo.co.uk)

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[saidyegane@gmail.com](mailto:saidyegane@gmail.com)

هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، ملکه عزتی، پروین کابلی، ناصر مرادی، هلاله طاهری، سیوان کریمی

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا ظهر روز پنجشنبه است.

# هفتگی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

@hekmatis

Hekmatist.org

@hekmatis1917

@hekmatis pary

PARTOW TV

@patowtv

Thepartow TV

@PartowTV

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات  
اجتماعی

## زنده باد سوسیالیسم!